



۲۰۲۰/۱۰/۱۱



عبدالقیوم میرزاده

## کتاب

## زنان

# و مشکلات فرا روی شان در جامعه افغانی

## (قسمت هفتم)

طوریکه در بالا نگاه گذرا و مختصر به تاریخ انکشاف جامعه بشری انداختیم، دیده شد که چگونه حاکمیت مرد سالار در جوامع بشری بنیان گذاشته شد. این حاکمیت جدید همه سعی و تلاش مضاعف خویش را در سرکوب زن و زدودن همه آنچه که در اجتماع رنگ و بویی از حاکمیت زن داشت به خرچ داده و در جریان سیر تأریخ، زن را همچو ما یملک خویش در گرو گرفته و چون برده از آن کار میکشید و حاکمیت جدید سعی فراوان بخرچ داد تا فرهنگ مرد سالار را در جامعه طوری نهادینه کند که دیگر باور عمومی جوامع بر آن استوار بوده و در این روند زن را به چنان موقعیتی رساند که خود نسبت به توانمندی خویش منحیت انسان کامل الحقوق، توانا و بارور متردد و بی باور شده و به شخصیت منفعل در جامعه مبدل گردید. در بسیاری از جوامع که فرهنگ های مرد سالار در آن حاکم بود، دختران نوزاد و زنان را زنده بگور میکردند، زنان را بعد از فوت شوهر با جسد شوهر یکجا نابود میکردند، مادران که بیش از یکبار دختر بدنیا می آوردند مباح الدم بودند و هزاران نا راوای دیگر زیرا حاکمیت جدید برای پیشبرد و تحکیم سلطه مرد سالار خویش از همه امکانات، ذرایع و شیوه استفاده اعظمی میکرد، قوانین و باور های دینی و مذهبی را سراسر در خدمت خویش قرار داده و از طریق آن زن را به حیث موجود درجه دوم، پست و در بسا حالات حتی موجود نجس و سمبول شر، به باور عمومی جامعه تذریق میکرد. در بسیاری از جوامع بشری حتی در زبانشناسی نیز مرد را به عنوان آدم - مذکر - مردم - بشر بکار برده و از زن بصورت فرع در دستور زبان های این جوامع استفاده کرده و تمام ریشه های کلمات را عمداً مردانه یا مذکر تعیین کرده اند که با اضافاتی در آن میتوان آنرا زنانه یا مؤنث ساخت. در جریان گسترش جامعه مرد سالار و نهادینه ساختن فرهنگ مرد سالاری حتی عادت ماهوار یا دوران حیض زنان را که یک پدیده کاملاً طبیعی بوده و نشانه ایست از باروری زن برای تداوم نسل بشر یعنی توالد و این پدیده طبیعی در عده از زنان گاهی با درد و ناتوانی های جسمی یا فیزیولوژیک هم همراه میباشد، بهانه بی ساختند برای ضعیف پنداشتن زن ها (لااقل یک هفته در ماه) و آخر الامر در بسیاری از فرهنگ های مرد سالار زن را در زمان حیض از جامعه ترد کردند. تقریباً در میان تمام ادیان کتاب دار و بی کتاب، آسمانی و زمینی زیر فشار فرهنگ مرد سالار جوامع با سؤاستفاده از بهانه دوران قاعده گی زنان را چون موجود نجس و نحس معرفی کرده و او را از جامعه و میان مردم مترود دانسته اند. چنانچه در الحاقیه اوستا بخش وندیداد (وی دیو داد) که به کتاب قوانین زردشت هم مشهور است و شامل احکام فقهی زردشت در باره مسائل حفظ الصحه، اوامر و نواهی میباشد در باره دوران حیض زنان چنین میخوانیم: « هرگاه زن در خانه ی مزداپرست، نشان حیض ببیند، باید یک معبر در خانه

که از گیاه و درخت خالی باشد، انتخاب نماید و زمین آنرا سنگریزه نرم یا ریگ بپاشد و آن را از نصف، از سه یک، از چهار یک یا از پنج یک خانه جدا سازند. والا ممکن است دید زن به آتش بیافتد. بناءً باید از آتش سی گام، از آب سی گام، از شاخه (شاخه‌های تازه بریده درخت) سی گام و از مرد پارسا باید سی گام فاصله داشته باشد. مردی که برای این زن غذا و خوراک به همراه آورد، باید سه گام از او فاصله بگیرد و دو قطعه نان خشک و یک مقدار آجیو به اندازه‌های که زن ضعیف نشود به او ببرند. هر گاه کودکی او را لمس کند، باید دست‌های او را شست و شو دهند. هرگاه او بیش از نه روز حیض ادامه پیدا کند، سه سوراخ در زمین بکنند و زن را در دو سوراخ اول با ادرار گاو و در سوراخ سوم با آب بشویند.»

در دین یهودیت زن در دوران حیض مدت هفت شبانه روز ناپاک محسوب میگردد و هر شخص و یا شئی که با این زن تماس پیدا کند آلوده و ناپاک میگردد. هم اکنون باور یهودیان این است که حضرت موسی زنان را در دوران حیض از نزدیک شدن به دریا، چاه‌های آب، آشپزخانه مزارع، باغات، رمه‌های حیوانات و سایر اشیاء بر حذر میداشت. چنانچه در بخش چهارم (میشنا) یا میشنه کتاب احکام مذهبی یهودیان که بنام الحاقیه تورات مثنی است در چندین جا از مکان ناپاکان یاد آوری شده است. به احتمال زیاد این همان مکان‌هایی است که زنان دوران قاعده گی خویش را سپری میکنند.

در دین مسیحیت هم زنان که دوران حیض را سپری و هم زنان بعد از زایمان هر دو نجس شناخته شده که برای پاک شدن همچو زنان باید مراسم آشتی دهی با کلیسا را سپری کرده و دو باره به مراسم عبادت‌های معمول باز گردند. در سایر ادیان به شمول اسلام همچو روایات غیر انسانی در قبایل زنان شامل و ترویج گردیده است که هر کدام به نحوی بیانگر ظلمت بی پایان فرهنگ مرد سالار علیه زنان میباشد، حالآنکه در حقیقت «قاعده گی» اولین نشانه‌ی سلامت جسمی یک دختر و زن است که زمینه باروری و تداوم نسل بشر را مهیا می‌کند و هرگز جایی برای شرمساری ندارد. جریان تحکیم حاکمیت مرد در جوامع بشری با این سابقه بلند تاریخی از کوره راه‌های بسیار طولانی تاریخ بشریت در روی زمین گذشته و با یک ریشه بسیار عمیق و ضخیم از اسطوره‌ها، باورهای دینی و مذهبی و فرهنگ‌های بو می و قبیلوی به همین ترتیب انکشاف یافته و روز تا روز زن چون متاع اقتصادی، کنیز، خدمه، وسیله‌ای برای خوش‌گذرانی، عیش و عشرت، زاد و ولد و نگهداری طفل، تهیه غذا و امور منزل جایگاه نا برابر در جامعه پیدا کرده و در اکناف جهان در همه فرهنگ‌ها در هر دوره‌ای از فورماسیون‌های اجتماعی - اقتصادی باور عمومی همین بوده که زن موجود ناتوان است و از عهده کاری که مرد انجام میدهد برآمده نمیتواند. در تقسیم کار اجتماعی - اقتصادی در بهترین حالت بصورت طبعی امور منزل و نگهداری از فرزند را به زنان واگذار کرده اند. چنانچه در سیستم‌های اروپای آزاد امروز و در سیستم دیموکراسی امروزه امریکا هم با وصف تصویب و تسجیل قوانین برابری حقوق زن و مرد هنوز فرهنگ مرد سالار در این جوامع مسلط میباشد. با آنکه در این کشورها زنان توانسته اند صرف نظر از کمبودی‌ها و کاستی‌ها به آزادی‌های نسبی دست یابند و از حقوق چون حق تحصیل، حق انتخاب همسر، حق رای، حق کار، حق انتخاب شدن و انتخاب کردن برخوردار هستند اما با وصف این همه قوانین و اعطای حقوق بر طبق قانون چون هنوز هم این فرهنگ در تار و پود جوامع نهادینه نشده است بسیاری از حق تلفی‌ها در برابر زن در همین کشورها نیز وجود دارد. بطور مثال دستمزد یا معاش یک کارمند مرد در یک شغل اداری و یا تخنیکی بالاتر از مزد یک زن در عین شغل میباشد، زنان که به مشکلات شدید اقتصادی و معیشتی مواجه اند در همین کشورها اولاً چون برده جنسی خرید و فروش کرده و از کشوری به کشوری منتقل میگردانند و آخر الامر در بازارهای تن فروشی و دکانهای سکس مورد بهره برداری جنسی قرار میگیرند. این تجارت میلیارد‌ها دالر سالانه عاید به جیب دلان این مارکیت سکس و موسسات مالیاتی کشورهای اروپایی میریزد. آیا این خود تهدید بزرگ به کرامت انسانی و شخصیت زنان نیست؟ از لابلای نشرات و اخبار کشورهای غربی به ارقام تکانه‌دهنده‌ای

در باره جنایات بشری علیه زنان برخوردارم. سالانه ده ها هزار دختر جوان شروع از زیر پانزده سال تا ۲۵ ساله فیلیپینی، بنگله دیشی، هندی، پاکستانی و کشور های ارو پای شرقی بوسیله دلالان امریکایی، ارو پای و جاپانی خرید و فروش میشوند و برای مارکیت های سکش به کشور های مختلف قاچاق میگردند.

مسئله کمزنگ شدن و فرو پاشی خانواده مشکل دیگریست که در راستای آزادی زن ها دامنگیر جوامع بشری کرده اند. با شیوع اندیویدالیزم که سیستم سرمایه داری برای جوامع زیر نفوذش احمال و پیشکش کرده است کانون سنتی و یا بهتر است بگوییم سیستم انکشاف جامعه بشری که تهداب آن روی خانواده استوار بود با ایجاد سیستم های مراقبتی و پرورشی دولتی و نیمه دولتی که همه اتباع جامعه را در بست در اختیار صاحبان اصلی یا سرمایه داران قرار میدهد بر هم ریخت و در عوض کانون خانواده ها بر هم خورده دیگر خانواده مفهوم اصلی خویش را از دست داده است. که بار طاقت فرسای همه سیستم ها را باز هم زن بدوش میکشد. امروزه حدود سی تا پنجاه درصد اطفال نوزاد تا سنین سیزده سال تنها بوسیله مادر و بدون سایه و حمایت پدر بزرگ شده که اثرات نامطلوبی را بر روحیه مادر و فرزند بجا میگذارد. با این مختصر خواستم توجه خوانندگان را به این امر معطوف گردانم که آنچه در راه آزادی، برابری و عدالت اجتماعی در تأمین حقوق برابر زنان از اهمیت فراوان برخوردار است نهادینه ساختن این فرهنگ در تمام اکناف جامعه بشری و باورمندی خود زنان به توانمندی و موقعیت کامل انسانی شان میباشد که این مسئله نه تنها به فهم و باور عموم مردم تبدیل گردد بلکه زنان خود هم به همین باور برسند. برای تدقیق بیشتر روی موضوع باورمندی زن با توانایی ها و اعتماد به نفس اش در مبحث ( منفعل بودن و ضعف زنان در برابر مصایب اجتماعی علیه خودش) به آن میپردازم. زیرا بی باوری زن نسبت به خودش پیچیده گی هایی فراوانی را در فرهنگ های مختلف مسبب گشته که در شرایط کشور ما مستلزم دقت بیشتر میباشد.

از بیان این توضیح تاریخی به این نتیجه میرسیم که فرهنگ مرد سالاری عبارت از آن خصوصیات فطری، درک اجتماعی و باور عمومی یک جامعه است که مرد را در مناسبات اجتماعی، در میان مردم، خانواده و قواعد و قوانین جاری حق و یا حقوق بیشتر نسبت به زنان داده و در ساختار سیاسی - اجتماعی و اقتصادی حاکمیت مرد را بر زن تحمیل میکند.

پایان قسمت هفتم

( ادامه دارد )



[برای مطالب دیگر این نویسنده، اینجا کلیک کنید](#)